

اطلاعیه‌ی حزب آنتی کاپیتالیستی_ فرانسه_ درباره‌ی ایران

ترجمه: رامین جوان

در کنار زحمتکشان و مردم ایران

از روز سیزدهم یونی فردای انتخابات تقلبی- میلیون‌ها ایرانی با فریاد: «مرگ بر دیکتاتور» به خیابان‌ها ریختند.

سرکوب بی‌رحمانه، تا کنون چند ده‌اگر نه چند صد- کشته بر جای گذاشته است. در کنار جوانان، زنان و اقشار تهی‌دست شهری که بیشترین رقم شرکت‌کنندگان در تظاهرات را تشکیل می‌دهند، اکنون سندیکاهای کارگری نیز به میدان آمده‌اند.

سندیکای کارگران شرکت واحد، همبستگی خود را این چنین بیان داشت: «تا زمانی که آزادی تشکل و انتخابات آزاد وجود نداشته باشد، هرگونه گفت‌وگو در مورد آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و حقوق کارگری، بحثی بیهوده و عبث خواهد بود» کارگران بزرگترین کنسرن اتومبیل‌سازی (ایران خودرو با حدود ۶۰.۰۰۰ شاغل) وارد اعتصاب شده و در کنار خواست‌های تظاهرات‌کنندگان، خواهان افزایش دستمزدها و به رسمیت شناخته شدن حق اعتصاب نیز شده‌اند.

برای آزادی‌های دمکراتیک و مطالبات کارگری

در کنار جوانان و زنانی که برآند تا یوغ حکومت وحشت و خفقان آخوندها را برای همیشه از گردن خویش بکشایند، اینک کارگرانی نیز پای به میدان نهاده‌اند که حاضر نیستند بار هزینه‌های این بحران را بر دوش کشند. نظریه‌ی اعتصاب عمومی، هر روز طرفداران بیشتری پیدا می‌کند و ثروتمندان و چپاول‌گران، هیولای انقلابی دیگر را می‌بینند که هر روز بیش از پیش سایه‌ی خویش را می‌گستراند.

تظاهر فریبکارانه‌ی احمدی‌نژاد و خامنه‌ای که می‌خواهند خود را حامی حقوق محرومین و پرچمدار مبارزه با امپریالیسم جا بزنند، نباید ما را به سراب رهنمون گردد. حتا موسوی که به جناح اصلاح‌طلب تعلق دارد چندان بهتر از آن‌ها نیست. او بین سال‌های ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۹ نخست‌وزیر رژیم اسلامی بود. همان دورانی که ده‌ها هزار کوشنده‌ی سیاسی و عمدتاً چپ- که در راه احقاق حقوق زنان، زحمتکشان و اقلیت‌های قومی و ملی مبارزه می‌کردند، در زندان‌ها قتل‌عام شدند.

رشوخوااری، فساد و خودکامگی در دوران بحران اقتصادی، غیرقابل‌تحمل‌تر شده و این امر به نوبه‌ی خود به عمق دشمنی در میان باندهای رقیب دامن زده و اکنون به یک بحران ساختاری در حکومت اسلامی بدل گردیده است.

کارگران و همه‌ی آحاد مردم، این گسستگی و شکست در ارکان نظام را به فال نیک گرفتند تا آنجا که حتا در یک انتخابات غیردمکراتیک، کار را بدانجا رسانند که کنترل امور بکلی از دست رژیم خارج شد.

مبارزه‌ی آن‌ها، مبارزه‌ی ما است

ما پشتیبانی کامل خود را از زنان، کارگران، جوانان و همه‌ی تظاهرکنندگانی که سببیت دستگاه سرکوب را به هیچ‌انگاشته و به بهای جان، گام در میدان نهاده‌اند اعلام می‌داریم و در تاریخ ۲۶ یونی در ساعت ۱۲:۳۰ و در اعلام همبستگی با کارگران ایران، سندیکاهای نام‌برده‌ی زیر، در میتینگ در برابر سفارت ایران در پاریس شرکت (خواهند) کرد:

Solidaries و CGT, CFDT, FO, CFTC, UNSA تا پیش از همه، خواهان آزادی کارگرانی شوند که در تظاهرات اول ماه مه در ایران دستگیر شدند.
حزب آنتی کاپیتالیستی که طبیعتاً از این گروه‌آیی حمایت می‌کند، همه‌ی کارخانه‌ها، شهرها و فعالین سیاسی محلات را فرامی‌خواند تا با ایجاد کمیته‌های خودگردان همیاری، به حمایت از مبارزات مردم ایران پرداخته، راه سرنگونی رژیم دیکتاتوری و احیای حقوق زحمت‌کشان را هموار سازند.
۲۲ یونی ۲۰۰۹

اعلامیه‌ی دبیرخانه متحده بین المل چهارم

درباره ایران -

جای ما در کنار مردم ایران است

از روز سیزدهم یونی، پس از انجام تقلب‌های گسترده در انتخابات ریاست‌جمهوری، مردم خشم خود را با فریادهای «مرگ بر دیکتاتور» اعلام و ابراز می‌دارند. حرکت مردم، بر ابعاد بحران درون حاکمیت می‌افزاید. سرکوب بیرحمانه تا کنون صدها کشته و زخمی برجای نهاده است. جای ما در کنار مردم ایران است.

با اعلام انتخاب مجدد احمدی‌نژاد، بحران نهفته در درون جناح‌های متخاصم حاکمیت به جنگی آشکار بدل گردید. کاندیداتوری چهار نفر تایید شد: چهار نجات بخش رژیم که مسئولیت ترازنامه خونین سی ساله‌ی جمهوری اسلامی را بر دوش می‌کشند. اما پیش از انجام نخستین دور انتخابات، رهبر (خامنه‌ای) و باند حاکم، برنده‌ی آنرا تعیین کردند. با توجه به جو متشنج موجود میان جناح‌های مختلف و بحران فزاینده‌ی اقتصادی، به نظر مشکل می‌رسید که مردم به رهبر، امکان صدور فرمانی تخطی‌ناپذیر و لازم‌الاجرا را بدهند. با توجه به اشتیاق وافر پاسداران به در دست گرفتن کنترل اهرم‌های مالی و اقتصادی و خارج نمودن اختیار آن‌ها از دست خانواده‌ی رئیس‌جمهور پیشین -رفسنجانی- برای احمدی‌نژاد هم چشم‌پوشی بر جاذبه‌های ثروت و کوتاه آمدن در برابر رقیب به نظر غیرممکن می‌رسید. در جنگی که بر سر کنترل درآمد نفت، مالکیت زمین‌های بزرگ و اعمال قدرت سیاسی درگرفته، خامنه‌ای و احمدی‌نژاد برآند تا رقیبان را از میدان به در کنند.

برای آزادی‌های دمکراتیک و حقوق زحمت‌کشان

با توجه به گسترش ابعاد بحران اقتصادی و بیکاری که سبب غیرقابل تحمل شدن فشارهای رشومخواری و تورم ناشی از زدوبندهای مالی گردیده، اراده‌ی مردم در سرنگون‌سازی رژیم خفقان مذهبی و پایان دادن به سرکوب زنان و جوانانی که برای بدست آوردن حقوق خویش مبارزه می‌کنند و می‌رود تا در پیوند با مبارزات و مطالبات کارگران و مزدبگیران، ابعاد گسترده‌تری به خود گیرد، مستحکم‌تر می‌نماید. حضور قهرمانانه‌ی مردم در صحنه‌ی مبارزه، شکاف درون حاکمیت را ژرفای بیشتری بخشیده است.

رژیم به حرکت اعتراضی مردم، با سرکوب خونین، دستگیری‌های گسترده، ایجاد محدودیت و ممنوعیت برای خبرنگاران و قطع شبکه تلفن و اینترنت پاسخ می‌دهد. حکومت اسلامی یک «وضعیت

فوق‌العاده»ی واقعی برقرار کرده است. در تهران نیروهای بسیج، گارد ویژه و سپاه پاسداران جای دولت را گرفته و بی‌نتیجه می‌کوشند تا دامنه‌ی اعتراضات را مهار کنند. سرپیچی از حکومت، هر روز ابعاد گسترده‌تری می‌یابد و اعتراضات به شکل‌های گوناگون صورت می‌پذیرند. سرکوب، تنها بر دامنه‌ی خشم مردم افزوده، عزم آنان را برای شکستن سکوت خویش جزم‌تر می‌کند.

یک مرحله‌ی جدید در مبارزه

در ایران مرحله‌ی جدیدی از مبارزه آغاز می‌شود. حمایت ما زنان، کارگران، جوانان و تمامی کسانی را شامل می‌شود که در مبارزه با رژیم اسلامی، تردید به خود راه نمی‌دهند و از جان خویش مایه می‌گذارند. در بسیاری از واحدهای صنعتی، به طور خودجوش، اعتصاب آغاز شده به خصوص در تهران- و فراخوان به اعتصاب، هر روز بیشتر به گوش می‌رسد. بحث اعتصاب سرنوشت‌ساز عمومی نه از سوی موسوی که می‌کوشد تا بر موج انقلاب سوار شود- بلکه از اردوی کارگران ایران است که به گوش می‌رسد. ورود طبقه‌ی کارگر به این جنبش می‌تواند به آن نیرو و تداوم ببخشد و برای سرنگونی رژیم اسلامی و برقراری یک جمهوری سوسیالیستی دمکراتیک و مقابله با تهاجمات امپریالیستی و صهیونیستی یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. مبارزه برای حقوق دمکراتیک واقعی، حق اعتصاب، حق انتخابات به راستی آزاد، حق داشتن سندیکاها، مستقل و احزاب سیاسی و مبارزه برای تحقق عدالت اجتماعی و برابری حقوق زن و مرد باید بر مبنای یک حمایت و همیاری بین‌المللی پایه‌گذاری گردد.

مبارزه‌ی آنان، مبارزه‌ی ما نیز هست.

۲۸ یونی ۲۰۰۹